افزایش ظرفیت پزشکی، شاید وقتی دیگر!

گروه اجتماعی

واقعیت این است که مصوبه افزایش ظرفیت پزشکی در میان اظهارات و موضع‌گیری‌های مختلف مدیران ذی‌ربط وضعیت پیچیده و نامشخصی دارد. مصوبه‌ای که دوسال است نقل محافل علمی بوده و همچنان معطل مانده است. این درحالی است که موضوع کمبود پزشک، عامل اصلی افزایش فشار بر کادر درمان و تهدیدی جدی برای سلامت مردم به شمار می‌رود و سخنگوی سازمان نظام پزشکی هشدار داده، ممکن است کار به جایی برسد که مجبور شویم پزشک «وارد» کنیم!

اگرچه شورای عالی انقلاب فرهنگی بر تداوم اجرای مصوبه افزایش ظرفیت‌ها تأکید دارد، اما وزارت بهداشت با ابراز مخالفت و استدلال خاص خودش، آب پاکی را روی دست این شورا ریخته است؛ اینکه نباید آمار پذیرش افزایش یابد چراکه اگر جذب بیش از حدی صورت بگیرد در آینده به سرنوشت رشته‌های علوم فنی و انسانی مواجه خواهیم شد. از طرفی زیرساخت‌ها برای افزایش پذیرش مناسب و کافی نیستند. درصورتی که به روایت آمارها سرانه پزشک متخصص در کشور بسیار پایین است و در مقایسه با کشورهای توسعه‌یافته و حتی کشورهای منطقه نیز عقب‌ماندگی‌ها فاحش است.

عدد ۲۴۵؛ میانگین سرانه پزشک متخصص در کشورهای اروپایی است که این رقم در کشورهای منطقه ۱۴۳ به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر عنوان شده، اما در کشور ما تنها ۶۲ پزشک متخصص به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر در نظام سلامت فعالیت می‌کنند. این ماجرا وقتی بحرانی‌تر به نظر می‌رسد که بدانیم به علت کمبود پزشک متخصص که از عوامل اصلی توزیع نامناسب آن در کشور است، بسیاری از مناطق محروم در ضروری‌ترین رشته‌ها، فاقد پزشک متخصص هستند. به‌طوری که حدود ۴۵ درصد از پزشکان متخصص در پایتخت با ۱۱ درصد جمعیت کشور فعالیت دارند. درحالی که برای ۵۰ درصد جمعیت کشور در مناطق کم‌برخوردار به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر، ۳۸ پزشک حضور دارند. مردم این مناطق برای سطحی‌ترین درمان‌ها باید به تعداد محدودی از پزشکان متخصص در مراکز استان‌ها مراجعه کنند و به علت کمبودها بین پزشکان باکیفیت و کم‌کیفیت حق انتخاب ندارند و ناگزیر به دریافت خدمات از پزشکان موجود هستند.

با این حال، رئیس جامعه جراحان در نامه‌ای خطاب به رئیس جمهور، به دلیل فقدان زیرساخت‌ها نسبت به اجرای مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی هشدار داده است. ایرج فاضل در این نامه عنوان کرده: مهم‌ترین عامل مؤثر در مقوله خطیر سلامت جامعه و کیفیت ارائه خدمات پزشکی به مردم عنصر نیروی انسانی دانشمند کارآمد و خدوم است. دغدغه جدی امروز دلسوزان و مصلحان جامعه پزشکی کشور شرایط نگران‌کننده‌ای است که با بعضی دستورالعمل‌های صادره از سوی شورای عالی انقلاب فرهنگی آینده نیروی انسانی و کیفیت تربیت پزشکان آینده کشور را تهدید می‌کند. توجه عمده به کمیت و صدور دستور افزایش بی‌رویه و نامتناسب ظرفیت پذیرش دانشجویان به‌جای توجه به کیفیت آموزش و حفظ و پاسداشت از نیروهای پرورش یافته که منتج از آمارهای غیرواقعی و بدون توجه به ظرفیت زیرساخت‌های ضروری آموزش پزشکی صورت گرفته است، یقینا در آینده نه‌چندان دور به تهدیدی جدی برای کیفیت خدمات پزشکی و سلامت مردم خواهد انجامید. افزایش پذیرش دانشجوی پزشکی بدون توجه به تعداد ناکافی استادان آموزشی، تأمین امکانات، تخت‌های بیمارستان‌های آموزشی و آزمایشگاه‌های لازم، خوابگاه‌های موردنیاز و پیش‌بینی بودجه‌های ضروری آموزشی و پژوهشی نتیجه‌ای جز آسیب جدی به فرآیند حساس تربیت پزشک و کیفیت کادر درمان پرورش یافته دربر نخواهد داشت.

شایسته است مسئولان به‌جای صدور دستور افزایش دانشجویان پزشکی بدون توجه به نظرات کارشناسان دلسوز و پیشکسوت این حیطه به بررسی علل و عوامل افزایش مهاجرت نخبگان و پزشکان تربیت شده موجود به کشورهای دیگر، ترک شغل و روی‌آوری به مشاغل دیگر، عدم تمایل به ماندگاری در مناطق کم‌برخوردار و اقبال به حیطه‌های غیردرمانی بپردازند. یقینا بدون توجه و ریشه‌یابی و پرداختن به حل معضلات و نارسایی‌های اجتماعی، اقتصادی و کاهش انگیزه، افزایش دستوری تعداد دانشجویان نه‌تنها رافع مشکلات نخواهد بود، بلکه آینده حرفه‌ای و کیفیت علمی پزشکی کشور را در معرض تهدید و سراشیب سقوط قرار خواهد داد.

رئیس جامعه جراحان ایران ضمن هشدار و توصیه به تجدیدنظر در تصمیمات و طرح‌های غیرکارشناسی اتخاذشده آمادگی خود را برای مشاوره و ارائه راه‌حل‌های علمی و مجرب در این مقوله اعلام نموده است.

افزایش ظرفیت، لنگ زیرساخت

به هر روی موضوع کمبود پزشک مدت‌هاست به یکی از اصلی‌ترین چالش‌های شکل گرفته بین وزارت بهداشت، جامعه پزشکی و شورای عالی انقلاب فرهنگی تبدیل شده است. وجود بی‌شمار استدلال، اظهارنظر و حتی پژوهش و آمار هم به حل این چالش کمکی نکرده است و همچنان ادامه یا توقف افزایش ظرفیت در هاله‌ای از ابهام قرار دارد. اگر مخاطبی بخواهد پای سخنان موافقان و مخالفان این موضوع بنشیند با اظهارات متفاوت و بعضا متناقضی روبه‌رو خواهد شد، آن قدر که قضاوت بر راستی استدلال هر گروه به راحتی ممکن نخواهد بود.

آنچه در این میان بدیهی به نظر می‌رسد این که وزارت بهداشت می‌کوشد موضوع کمبود پزشک را با موضوعاتی همچون پراکنش نامناسب، کاهش کیفیت آموزش و نبود زیرساخت‌ها مرتبط بداند. اما عبدالحسین خسروپناه، دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی درباره ادله این وزارتخانه گفته است: «مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی این بود که هم افزایش ظرفیت رخ دهد و هم زیرساخت‌ها تأمین شود که بخشی از این کار آماده شد و بخش دیگر اما اجرایی نشد. از سازمان برنامه و بودجه کشور می‌خواهیم و تأکید داریم با توجه به درخواست رئیس جمهور، زیرساخت این کار را تأمین کند.»

با این وجود وزارت بهداشت بر مخالفت خود در مورد افزایش ظرفیت‌ها پافشاری دارد. معاون آموزشی این وزارتخانه میان این موضوع با افت کیفیت آموزشی دانشگاه‌ها ارتباطی معنادار قائل است، و در مورد ادامه روند افزایش ظرفیت‌ها عنوان کرده: «وزیر بهداشت پیش از این اعلام کرد و ما نیز اعلام می‌کنیم که با همین روال ما قادر به افزایش ظرفیت نیستیم. ما درخواست کردیم و گفتیم که توان این کار را نداریم. توان و امکان نیز اهمیت دارد.» او افزوده: «با شورای عالی انقلاب فرهنگی و مراجع ذی‌صلاح در حال رایزنی هستیم که اگر قرار است دانشجویی پذیرش کنیم در ابتدا تجهیزات فراهم شوند؛ چراکه دانشجوی پزشکی بدون تخت نمی‌تواند آموزش کافی ببیند. هم‌اکنون دارای دو شیفت مهر و بهمن هستیم و آیا با این وضعیت توان سه شیفت کردن را داریم؟»

پرواضح است که افزایش ظرفیت پزشکی ضرورت و نیاز کشور است، اما درصورتی که زیرساخت‌ها مهیا نباشد، این مصوبه به ضد اهداف سیاستگذاران و تصمیم‌گیران تبدیل خواهد شد. بی‌تردید افزایش تعداد دانشجو بدون درنظر گرفتن شرایط و تأمین نشدن منابع موردنیاز آموزش پزشکی نتیجه عکس خواهد داد. تاکنون حتی بودجه لازم به این مصوبه و دانشگاه‌های علوم پزشکی اختصاص نیافته است! آن طور که ابوالفضل باقری فرد، معاون آموزشی وزارت بهداشت مطرح کرده: «۴ هزار و ۸۰۰ دانشجو بیش از ظرفیت سال‌های قبل جذب شد اما هیچ بودجه‌ای نگرفتیم.» بنابراین تربیت پزشک هم‌زمان به اعتبار کافی، ابزار و زیرساخت نیاز دارد. در حال حاضر برای این جهش ظرفیت فضای مناسب آموزشی در اختیار نداریم و همین مسئله باعث افت کیفیت آموزش خواهد شد.

از این رو، زمزمه‌هایی در مورد تصویب توقف این مصوبه در صحن علنی شورای عالی انقلاب فرهنگی به گوش می‌رسد. ابوالقاسمی، رئیس کمیسیون سلامت شورای عالی انقلاب فرهنگی گفته است: «در این مورد نظر رئیس جمهور هم مهم است. باید اطلاعات درست و نگرانی‌ها توسط وزارت بهداشت به ایشان منتقل شود. بالاخره هیچ اشکالی ندارد. وقتی کسی تصمیمی می‌گیرد، می‌تواند بیاید و آن را اصلاح کند. یا آن را به مدت دو سال راکد کنند تا با بودجه‌ای که برای آن تأمین می‌شود، زیرساخت‌های کافی برای دانشگاه‌ها فراهم گردد.» کمبود بودجه و به تبع کمبود زیرساخت‌های آموزشی و رفاهی یکی از مباحث داغ در حوزه سلامت است. تا بدان جا که اوایل تابستان امسال، رئیس دولت خطاب به منتقدان قانون افزایش ظرفیت پزشکی گفته بود که اگر مشکل بودجه است، بیایید تا تأمین کنیم.

قانون افزایش ظرفیت پزشکی دو سال قبل در شورای عالی انقلاب فرهنگی به ریاست ابراهیم رئیسی به تصویب رسید و براین اساس برای سهولت دسترسی به پزشک در کشور، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی موظف شد ظرفیت پذیرش دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی تحت نظارت آن وزارت برای رشته پزشکی در مقطع عمومی، از سال ۱۴۰۱ به مدت حداقل چهارسال، در هرسال ۲۰ درصد نسبت به سال قبل افزایش یابد و حالا فعالان جامعه پزشکی به دنبال توقف این مصوبه هستند، در این میان برخی پزشکان، ریشه اصلی کمبودها را مهاجرت‌هایی می‌دانند که از سوی این قشر انجام می‌گیرد و یا غیبت بی‌بازگشت دانشجویانی که از سر اجبار عطای ادامه تحصیل و کارورزی را به لقای آن می‌بخشند.

گام اول، توزیع متوازن پزشک در کشور

اما سحرشاه مرادی، پزشک و پژوهشگر حوزه سلامت نه فقط مسئله مهاجرت، که توزیع نامتوازن را هم در موضوع کمبودها دخیل دانسته و تأکید می‌کند: «آنچه در حال حاضر نظام سلامت به آن نیاز دارد ابتدا توزیع متوازن پزشک در کشور است. در کنار آن هرقدر ما به تربیت پزشک ادامه دهیم مادامی که نتوانیم برای ماندگاری آن‌ها در اقصی نقاط کشور جذابیت ایجاد کنیم شاهد کمبود پزشک در مناطق مختلف خواهیم بود. نکته دوم در این موضوع مربوط به خروجی پزشکان از چرخه آموزش است. اگر تعادلی میان ظرف و مظروف در این موضوع وجود نداشته باشد به این مفهوم است که ما داریم با هزینه‌های گزاف و صرف بودجه‌های بسیار پزشکانی را برای کشورهای دیگر تربیت می‌کنیم.»

شاه مرادی می‌گوید: «بخشی از افراد مهاجرت و بخش دیگر از شغل خود کناره‌گیری می‌کنند و به مشاغلی که به درآمدزایی زودتری انجامد، می‌پردازند. از طرفی آورده‌ای که این حرفه برای پزشکان دارد، تناسبی با سرمایه‌گذاری که به لحاظ وقت و انرژی می‌کنند، ندارد؛ مثلا هفت سال طول می‌کشد یک فرد متخصص شود و بعد از آن سال‌هایی که برای طرح کارورزی می‌گذارند و کشیک‌های طولانی مدت و حقوق و دستمزدی که به‌عنوان حقوق دانشجویی به آن‌ها پرداخت می‌شود، حتی کفاف کرایه خانه‌ای که اجاره کرده است، نمی‌دهد. در این میان چراغ سبز دیگر کشورها در استقبال از پذیرش متخصصان و فراهم کردن امکانات و استانداردهای یک زندگی بی‌دغدغه در فراگیر شدن موج مهاجرت در بین پزشکان و کادر درمان بی‌تأثیر نیست. بهترین نیروهای تخصصی ما بعد از کسب مهارت‌های حرفه‌ای و گاه حتی در زمان تحصیل کشور را به‌سوی مقاصد مهاجرتی خود ترک می‌کنند. طبیعتا در سایر کشورها برایشان فرش قرمز پهن نکرده‌اند و باید در آن جا، در سطح خیلی پایین‌تر، مثلا به‌عنوان پزشک عمومی خانواده به طبابت بپردازند اما پایگاه و منزلت پزشکان در ایران آن قدر پایین آمده است که مجبورند حتی به مهاجرت عمان، امارات و قطر نیز راضی شوند. باور عمومی جامعه این است که پزشکان پول پارو می‌کنند و همه آن‌ها جزء قشر مرفه جامعه هستند، درحالی که از میان جمعیت ۱۲۰ هزار نفری پزشکان کشور، شاید تعداد اندکی در طبقه مرفه قرار بگیرند و درآمدهای چند صدمیلیونی داشته باشند. بقیه در طبقه متوسط قرار دارند؛ آن هم با این حجم از مسئولیت و فشار کار.»

این پژوهشگر حوزه سلامت در ادامه به سرانه تعداد پزشک به نسبت جمعیت در ایران در مقایسه با استاندارد جهانی اشاره کرده و عنوان می‌کند: «ممکن است این مسئله در درازمدت مسئولان را مجبور به واردکردن پزشک از بنگلادش، فیلیپین، هند و پاکستان کند! به ازای هر هزار نفر، یک و نیم تا یک دوم پزشک وجود دارد که این رقم یک دوم استاندارد جهانی است و برای پرستاران این رقم ۷٫۰ است که یک سوم استاندارد دنیا است. بخش بغرنج‌تر ماجرا، کمبود متخصص است که بسیار پایین‌تر و تقریبا یک پنجم استاندارد جهانی است. این مشکل زمانی بحران واقعی را در جامعه نشان خواهد داد که همین حالا هم شاهد هستیم میزان شیوع بیماری‌هایی که نیاز به مراقبت مداوم دارند، افزایش یافته است.

به‌ویژه در بیماری‌های قلبی و عروقی، دیابت و سرطان‌ها افزایش چشمگیری را شاهد هستیم. این یعنی ما با مشکلی مواجهیم که مدام در حال بزرگ شدن است اما جمعیت کسانی که باید پاسخگوی این مشکلات باشند، به نسبت جمعیت موجود در حال کوچک شدن است و این عدم تعادل باعث می‌شود تا چند سال آینده سونامی‌ای از بیماری‌ها و مرگ زودرس ناشی از امراض مزمن را در جامعه ایران شاهد باشیم. ضمن آنکه سالمندی در کشور در حال شکل‌گیری است و فرد سالمند چندین برابر یک فرد معمولی به خدمات تخصصی پزشکی نیاز دارد.» این پژوهشگر درعین حال بر مهیا کردن زیرساخت‌ها تأکید کرده و می‌گوید: «تربیت یک دانشجوی پزشکی جدید مستلزم زیرساخت‌های مورددرخواست شامل افزایش زیربنای آموزشی، رفاهی و تجهیزات و مخصوصا هیئت علمی، متناسب با ظرفیت پذیرش اعلامی و زیرساخت‌های کارگاهی و آزمایشگاهی است.

گرچه افزایش ظرفیت دانشگاه‌های علوم پزشکی باتوجه به خروج جمعی از پزشکان از این حرفه یا مهاجرتشان به خارج از یک منظر ضروری به نظر می‌رسد اما اگر این کار بدون تأمین زیرساخت‌ها و تمهیدات لازم انجام شود چیزی جز از چاله به چاه افتادن نیست. چون منجر به تربیت پزشکانی می‌شود که کیفیت لازم را ندارند. در حوزه پزشکی نباید کیفیت فدای کمیت شود.»

به رغم تمامی اظهارات موافق و مخالفی که صورت گرفته، استناد این پژوهشگر به سنجه‌های آماری و مقایسه آن با کشورهای دیگر نمایانگر این واقعیت است که نسبت تعداد پزشکان به جمعیت کمتر از وضعیت استاندارد است و به گواه سخنان نمایندگان مجلس، تنها پیامد کمبود پزشک متخصص نبود دسترسی و اجبار به سفر از سوی بیماران نیست، بلکه باعث ایجاد بازار انحصاری در ارائه خدمات سلامت و به‌تبع آن افزایش هزینه خدمات تخصصی، کاهش کیفیت خدمات، صف طولانی انتظار و مفاسدی همچون دریافت خارج از تعرفه (زیرمیزی) شده است. شاه مرادی تصریح می‌کند: «افزایش ظرفیت اگرچه پاسخ به یک نیاز قطعی است اما باید به سرعت زیرساخت‌های لازم را فراهم کرد. به نظر می‌رسد هرچه زودتر و پیش از نوبت اول کنکور ۱۴۰۳ باید شرایط اجرا و تداوم این مصوبه بررسی و تصمیمی قاطعانه اتخاذ کرد.»

گویا مسئولان وزارت بهداشت علیرغم تمام استدلال‌هایی که مطرح می‌کنند، چندان با افزایش پذیرش رشته پزشکی موافق نیستند. اظهارنظر کارشناسان هم متفاوت است به نحوی که برخی با آن موافق و برخی براین باورند که تصمیم افزایش ظرفیت رشته پزشکی به حل مشکل کمبودها کمکی نمی‌کند. دکتر غلامرضا حسن‌زاده، دبیر شورای عالی برنامه‌ریزی علوم پزشکی می‌گوید: همیشه افزایش ظرفیت معادل رفع مشکل نیست. باید زیرساخت‌های لازم و انگیزه کافی برای خدمت در مناطق مختلف را در پزشکان ایجاد کنیم و این موضوع باعث می‌شود که توزیع عادلانه و دسترسی مناسب داشته باشیم، بنابراین باید بررسی کنیم که چه دلایلی وجود دارد که این اتفاق نمی‌افتد.

اما سوای این توضیحات، موافقان افزایش ظرفیت تأکید می‌کنند، سابقه وزارت بهداشت نشان می‌دهد، که این وزارتخانه همواره در برابر افزایش ظرفیت پزشکی مقاومت کرده و نسبت به وظیفه ذاتی خود در مورد پیگیری تأمین زیرساخت‌های لازم در برخی از دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور و بحث بومی‌سازی برای ماندگاری بی‌توجه بوده و با توزیع نامناسب دانشجویان پذیرش شده در سطح این دانشگاه‌ها، زمینه ایجاد نارضایتی را بین دانشجویان و اساتید فراهم نموده است.

آگهی مزایده اموال غیرمنقول ۹۸۰۱۴۵۲

۴/۱۴ سیرمشاع از ۲۰ سیرمشاع از ۹۰ سیرمشاع از ۲۴۰ سیرششدانگ به استثنای بهای ثمن عرصه واعیان به پلاک ثبتی شماره ۸۶۲ فرعی از ۴ اصلی بخش ۰۹ حوزه ثبت ملک آمل استان مازندران به مساحت ۲۷۳ مترمربع به نشانی آمل خیابان طالب آملی کوچه بن بست دریای ۳۹ پلاک ۴ شهرداری مالکیت عباس سلحشور واسکس فرزند محمدمهدی به ش.ش ۵ ت.ت ۱۳۴۶/۲/۱۱ صادره از بابل دارای ش.م ۲۰۶۳۷۱۴۰۱۰ با جزسهم ۲۰ از کل سهم ۲۴۰ به عنوان مالک بیست سهم مشاع از دویست و چهل سهم عرصه و اعیان متن سهم ۲۰ سیر مشاع از ۹۰ سیر مشاع از ۲۴۰ سیر ششدانگ به استثنای بهای ثمن عرصه واعیان با شماره مستند مالکیت ۶/۹۴/۴۷۸ تاریخ ۱۳۹۴/۹/۱۸ موضوع سند مالکیت اصلی به شماره چاپی ۵۹۱۹۱۰ سری ب سال ۹۵ با شماره دفتر الکترونیکی ۱۳۹۶۲۰۳۱۰۰۰۵۰۰۹۹۳۴ ثبت گردیده است.

حدود اربعه: شمالا پی است به طول ۱۹/۵۰ متر به کوچه به عرض ۸ متر شرقا غیره بطول ۱۴/۰۰ متر به پلاک ۴ اصلی- جنوبا پی بطول ۱۹/۵۰ متر به قطعه اول تفکیکی از ۱۰۱ فرعی- غربا پی است به طول ۱۴/۰۰ متر به پلاک ۴ اصلی ضمنا پلاک موصوف در موقعیت جغرافیایی و مختصات (میانی تقریبی) سیستم جهانی (U.T.M)(X=۰۶۲۰۳۶۴,Y=۴۰۳۸۷۲۵) استقرار یافته است. ۲- سند مالکیت صادره برای پلاک موصوف با طبیعت (محل) مطابقت کلی دارد. ۳- اعیانی موجود در پهنه عرصه پلاک تعرفه شده: شامل یک انباری (محل قرارگیری تجهیزات و تاسیسات سرمایش کارخانه یخ متعلق به مالکین مشاع که در پلاک مجاور مستقر می‌باشد) با دیوار بلوکی و سقف نهایی شیبدار پوشش شده با ورق آزبست واقع در قسمت جنوب غربی و یک حوضچه آب جهت خنک کردن لوله های گاز مربوط به کارخانه یخ می‌باشد. ۴- پلاک موصوف در زمان بازدید تحت تصرف و بهره برداری مالکین مشاعی قرار داشته است. ۵- مدارکی دال براینکه پلاک موصوف تحت پوشش بیمه باشد ارائه نگردید ۶- در روز بازدید مالکین مشاعی اظهار داشته‌اند که پلاک موصوف فاقد هرگونه تاسیسات منصوبه می‌باشد. یک و نیم دانگ مشاع از ششدانگ عرصه پلاک یاد شده وقف می‌باشد.

لذا ۴/۱۴ سیر مشاع از ۲۰ سیر مشاع از ۹۰ سیر مشاع از ۲۴۰ سیر ششدانگ به استثنای بهای ثمن عرصه و اعیان به پلاک ثبتی شماره ۸۶۲ فرعی از ۴ اصلی بخش ۰۹ حوزه ثبت ملک آمل استان مازندران به مساحت ۲۷۳ مترمربع به مبلغ ۱/۰۳۳/۰۰۰/۰۰۰ ریال معادل یک میلیارد و سی و سه میلیون ریال با مالکیت آقای عباس سلحشور واسکس به پرونده اجرایی کلاسه ۹۸۰۱۴۵۲ به طلبکاری خانم رزا اشرفی از ساعت ۹ الی ۱۲ روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۲/۱۲/۲۰ (بیستم اسفندماه یک هزار و چهارصد و دو) در محل اجرای ثبت اسناد آمل از طریق مزایده به فروش می رسد. مزایده از مبلغ فوق شروع و به بالاترین قیمت پیشنهادی نقدا فروخته می‌شود شرکت در مزایده منوط به پرداخت ده درصد از مبلغ پایه کارشناسی به حساب سپرده ثبت به شماره IR۴۸۰۱۰۰۰۰۴۰۵۳۰۱۳۲۰۷۵۵۰۳۸۶ و شناسه ۹۴۸۱۰۸۵۵۳۱۰۸۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ به حساب سپرده ثبت می‌باشد که می بایست حداقل ۴۸ ساعت قبل از برگزاری مزایده واریز تا تائید فیش واریزی توسط حسابداری اداره امکان پذیر گردد حضور خریدار یا نماینده قانونی او در جلسه مزایده الزامی است. برنده مزایده مکلف است مابه التفاوت مبلغ فروش را ظرف مدت پنج روز از تاریخ مزایده به حساب صندوق ثبت توديع نماید و در صورتی که ظرف مهلت مقرر مانده فروش را به حساب سپرده ثبت واریز نکند. مبلغ مذکور قابل استرداد نبوده و به حساب خزانه واریز خواهد شد. در این صورت عملیات فروش از درجه اعتبار ساقط و مزایده تجدید می گردد. لازم به ذکر است پرداخت بدهی های مربوط به آب برق گاز اعم از انشعاب و یا حق اشتراک و مصرف در صورتی که مزایده دارای آنها باشد و نیز بدهی های مالیاتی و عوارض شهرداری غیره تا تاریخ مزایده اعم از اینکه رقم قطعی آن معلوم شده یا نشده باشد به عهده برنده مزایده است و نیز در صورت وجود مازاد وجوه پرداختی بابت هزینه های فوق از محل مازاد به برنده مزایده مسترد خواهد شد و نیم عشر و حق مزایده نقدا وصول می گردد.

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۲/۸- مسئول واحد اجرای اسناد رسمی آمل- موسی زاده

آگهی فقدان سند مالکیت

نظر به اینکه وراث مرحوم علی آقا بابائی باستناد دو برگ استشهادیه تائید شده توسط دفتر اسناد رسمی شماره ۴ پلدختر اعلام داشته که سند مالکیت ششدانگ عمارت مسکونی تحت پلاک ۱۶۱۰ فرعی مجزی شده از پلاک ۲۰ فرعی از پلاک ۱۱۴ اصلی به مساحت ۲۴۸/۶۵ مترمربع واقع در پلدختر بخش هشت خرم آباد ثبت و سند مالکیت به نام مورث آنها صادر و تسلیم شده است. لیکن سند صادره مفقود و پس از جستجو پیدا نشده است لذا با عنایت به تبصره ماده ۵ ماده ۱۲۰ آیین نامه اصلاحی قانون ثبت مصوب ۱۳۸۰/۱۱/۸ و به استناد بند یک ماده مذکور مراتب فقدان سند در یک نوبت آگهی می شود تا هرکس مدعی وجود اصل سند مالکیت نزد خویش و یا مدعی انجام معامله می باشد از تاریخ انتشار این آگهی به مدت ۱۰ روز به این اداره مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت یا سند معامله تسلیم و رسید دریافت نماید چنانچه ظرف مدت مقرر اعتراض نرسیده و یا در صورت اعتراض سند مالکیت ارائه نشود اداره ثبت اسناد و املاک پس از طی مراحل قانونی به نام وراث مرحوم علی آقابابائی سند مالکیت صادر و تسلیم خواهد کرد.

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۲/۸
م الف ۴۰۹

امین عبدی نژاد
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان پلدختر

آگهی موضوع ماده ۱۰ آیین نامه اجرایی قانون الحاق موادی به قانون ساماندهی و حمایت از تولید و عرضه مسکن

نظر به اینکه پرونده کلاسه ۱۲۲۰ متعلق به آقا/خانم فریادرس بهرامیان فرد فرزند صیدمیرزا به شماره ملی ۴۸۵۹۶۴۷۸۹۰ صادره از پلدختر در ششدانگ یکباب ساختمان مسکونی به مساحت ۲۷۹/۲۲ مترمربع از پلاک- فرعی از ۱۱۳ اصلی واقع در شهرسراب حمام حوزه ثبتی شهرستان پلدختر بخش ۸ از مالکیت- محرز گردیده است و منجر به صدور رای ۳۶۰۶ مورخ ۱۴۰۲/۱۱/۱۷ گردیده لذا به منظور اطلاع عموم یک نوبت آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت نامبرده اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار این آگهی به مدت ۲۰ روز اعتراض خود را به این اداره تسلیم و ظرف مدت یکماه از تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۲/۸
م الف ۴۰۸

امین عبدی نژاد
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان پلدختر- مرکزی

آگهی مزایده نوبت اول

نظر به اینکه حسب محتویات پرونده کلاسه ۰۲۰۱۷۱۴ اجرای احکام حقوقی دادگاه عمومی شهرستان عسلویه آقای عیدی محمد دهقان ابنوی به مبلغ ۲۵/۱۰۰/۶۳۴/۶۸۱ ریال در حق آقای احمد حمیدی برشنه فرزند نصرالله علیرغم تنظیم و ابلاغ اجرائیه و سپری شدن مهلت قانونی محکوم علیه یاد شده نسبت به تادیه دیون خود اقدامی ننموده و در همین راستا محکوم له ملکی از محکوم علیه در این حوزه قضایی معرفی و از طریق این مرجع توقیف گردیده است. علیهذا این اجراء در راستای استیفای مطالبات محکوم له بر آن شده است ملک توقیفی را معادل مبلغ ۱۷/۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال از طریق مزایده به فروش بگذارد تاریخ مزایده ۱۴۰۲/۱۲/۲۲ ساعت ۱۰ صبح در محل اجرای احکام دادگاه می باشد. ضمنا شرکت کنندگان در مزایده پنج روز قبل از برگزاری مزایده جهت روئیت مزایده ملک موصوف می توانند به این اجراء مراجعه نمایند قیمت پایه از مبلغ کارشناسی شروع و به کسانی که بالاترین مبلغ را پیشنهاد نمایند واگذار می گردد برنده مزایده می بایست ۱۰ درصد ارزش کل فی المجلس و الباقی ظرف یکماه واریز نماید.

۱-ملک با پلاک ثبتی فرعی از اصلی ۳۰ بخش ثبتی عسلویه نوع ملک خانه و میزان مالکیت ششدانگ عرصه و اعیان به مساحت عرصه ۳۵۷/۲۰ مترمربع و اعیان ساختمان لا کف موزاییک کابینت فلزی و نما آجرو سرویس بهداشتی و حمام در حیاط انشعاب آب و برق

محمدجوکار
قاضی اجرای احکام حقوقی شهرستان عسلویه

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۲۶۰۳۱۳۰۱۰۰۱۳۰۹۲ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک بوکان تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای سیداسحاق احمدی منبر فرزند سیدابراهیم به ش.ش ۲۹۳۰۰۴۳۰۸۳ صادره از شاهین دژ در ششدانگ یکباب خانه به مساحت ۱۰۰/۴۸ مترمربع قسمتی از پلاک ۱۳۱-اصلی واقع در بوکان بلوار عشایر کوچه زرین ۴ خریداری از مالک رسمی آقای محمد نوره مع الواسطه محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۱۲/۸ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲/۱۲/۲۳

خالد خانه بیگی- رئیس ثبت اسناد و املاک

آگهی فقدان سند مالکیت

آقای بدرا پرابین به موجب دو برگ استشهاد محلی گواهی شده در دفتر اسناد رسمی شماره ۵۵ خرمشهر مدعی است که سند مالکیت به شماره مسلسل الف ۸۴۱۳۵۴/۰۰ به میزان ۳/۵ دانگ مشاع از ششدانگ پلاک ۵۸ فرعی از ۲ اصلی واقع در حفار شرقی بخش ۸ خرمشهر مورد ثبت الکترونیکی شماره ۱۴۰۱۲۰۳۱۷۰۰۴۰۰۰۱۴۸ که به علت جابجایی مفقود شده و درخواست صدور سند مالکیت نموده است. لذا در اجرای تبصره یک اصلاحی ماده ۱۲۰ آئین نامه قانون ثبت مراتب اعلام تا هرکس که مدعی انجام معامله و یا وجود سند مالکیت مذکور در نزد خود می باشند از تاریخ انتشار آگهی ظرف مدت ده روز اعتراض خود را کتبا و ضمن ارائه اصل سند مالکیت و یا سند خریداری به این اداره اعلام نماید در غیراین صورت سند مالکیت المثنی بنام مالک صادر و سند مالکیت مفقود شده از درجه اعتبار ساقط خواهد شد. ۲۵۳

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر آراء صادره هیات/هیاتهای موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی شهرستان ایرانشهر تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضیان محرز گردیده است. لذا مشخصات متقاضیان و املاک مورد تقاضا به شرح زیر به منظور اطلاع عموم در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضیان اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت اسناد و املاک محل تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مرجع ذیصلاح قضایی تقدیم نمایند.

۱- بلامنازع بودن تصرفات متقاضی دارد. لذا مالکیت آقای یعقوب کدخدائی به ش.ش ۲۶۶۲ و کدملی ۳۵۹۰۸۳۴۸۱۱ صادره ایرانشهر فرزند لال بخش در ششدانگ یکباب منزل به مساحت ۴۳۵ مترمربع قسمتی از پلاک شماره ۶ فرعی از ۳۹۶- اصلی واقع در شهر ایرانشهر خیابان دهدار جزء قطعه یک از بخش ۵ حوزه ثبت ملک ایرانشهر تائید و رای خود را با حدود ذیل صادر می نماید.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۱۲/۸
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲/۱۲/۲۳ م الف ۳۰۶/۱۴۰۲

اردشیر محمودی
رئیس ثبت اسناد و املاک شهرستان ایرانشهر

آگهی تحدید حدود اختصاصی حوزه ثبتی اداره ثبت اسناد و املاک منطقه ۲ شهرستان شهرکرد

با عنایت به اینکه پرونده ثبتی ششدانگ مزرعه میرزآباد پلاک ۶۵۶-اصلی واقع در روستای دستگرد امامزاده به نام فضل اله نمازی فرزند اسدالله و سایرشرکاء در جریان ثبت می باشد اینک بنا به درخواست مالکین و با عنایت به دستور ذیل ماده ۱۴ و ۱۵ قانون ثبت تحدید حدود پلاک مرقوم در روز سه شنبه مورخ ۱۴۰۳/۱/۱۴ در محل شروع و به عمل خواهد آمد. لذا به موجب این آگهی به کلیه مالکین پلاکهای مجاور اخطار می گردد که در روز و ساعت مقرر در محل حضور بهم رسانند اعتراضات مالکین مجاور مطابق ماده ۲۰ قانون ثبت از تاریخ تنظیم صورتمجلس تحدیدی تا سی روز پذیرفته خواهد شد و معترض باید کتبا اعتراض خود را به اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه دو شهرکرد تسلیم و ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی دادخواست به مرجع ذیصلاح قضایی تقدیم نماید و در غیراین صورت متقاضی ثبت یا نماینده قانونی وی می تواند به دادگاه مربوطه مراجعه و گواهی عدم تقدیم دادخواست را دریافت و به اداره ثبت تسلیم نماید اداره ثبت اسناد نیز بدون توجه به اعتراض عملیات ثبتی را ادامه خواهد داد.

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۲/۸

محمدعلی محمدی
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه دو شهرستان شهرکرد

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۰۴۰۱۶۴۴۹ مورخ ۱۴۰۲/۱۱/۱۲ موضوع کلاسه ۱۴۰۲۱۱۴۴۱۲۰۰۴۰۰۰۰۵۲ هیات اول/دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک گنبدکاووس تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای کریم هیوه چی فرزند حالت بردی به ش.ش ۵ ش.م ۲۰۳۱۸۱۷۴۳۴ در ششدانگ عرصه یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۴۱۹۵۴/۲۱ مترمربع جدا شده از پلاک شماره ۱۳- اصلی واقع در گنبدکاووس-روستای هیوه چی بخش ۱۱ حوزه ثبت ملک گنبد انتقال ملک مع الواسطه از حالت بردی هیوه چی مالک رسمی به متقاضی داشته و تصرفات متقاضی نسبت به مورد تقاضا احراز گردیده لذا به منظور اطلاع عموم این آگهی در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضائی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۱۲/۸
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲/۱۲/۲۲
م الف ۱۲۴۵۴

هادی عطائی مقدم
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک گنبدکاووس

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۰۴۰۱۶۹۶۳ مورخ ۱۴۰۲/۱۱/۲۴ موضوع کلاسه ۱۴۰۰۱۱۴۴۱۲۰۰۴۰۰۰۰۵۲ هیات اول/دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک گنبدکاووس تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای محمد قلیج نفس پور فرزند ولی محمد به ش.ش ۹۷ ش.م ۵۳۱۹۵۲۹۰۴۱ در ششدانگ عرصه یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۱۷۲/۲۹ مترمربع جدا شده از پلاک شماره ۱۵۶۲۳ فرعی از ۱- اصلی واقع در گنبدکاووس- خیابان شهید چمران خیابان ۱۰ متری بخش ۱۰ حوزه ثبت ملک گنبد انتقال ملک بلاواسطه از ولی محمد نفس پور به متقاضی داشته و تصرفات متقاضی نسبت به مورد تقاضا احراز گردیده لذا به منظور اطلاع عموم این آگهی در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضائی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهدشد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۱۲/۸
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲/۱۲/۲۲
م الف ۱۲۴۴۷

هادی عطائی مقدم
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک گنبدکاووس

آگهی ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۰۴۰۱۷۱۲۳ مورخ ۱۴۰۲/۱۱/۲۶ موضوع کلاسه ۱۴۰۲۱۱۴۴۱۲۰۰۴۰۰۰۸۰۹ هیات اول/دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک گنبدکاووس تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای/خانم انابخت خدانظری فرزند خدرآقا در ششدانگ یک قطعه زمین احداث بنا شده به مساحت ۱۰۸/۷۵ مترمربع جدا شده از پلاک ۵۶۰۷ فرعی از ۱ اصلی واقع در گنبدکاووس- بلوار یحیی بن زید کوچه سخاوی بخش ۱۰ حوزه ثبت ملک گنبد انتقال ملک مع الواسطه از خسرو نفسی لذا به منظور اطلاع عموم این آگهی در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضائی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهدشد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۱۲/۸
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲/۱۲/۲۲
م الف ۱۲۴۶۱

هادی عطائی مقدم
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک گنبدکاووس

آگهی ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۰۴۰۱۴۵۳۸ مورخ ۱۴۰۲/۱۰/۱۴ موضوع کلاسه ۱۴۰۰۱۱۴۴۱۲۰۰۴۰۰۰۴۲۵ هیات اول/دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک گنبدکاووس تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای/خانم طاهر آقازاده فرزند تواقلیدر ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۶۰۵۱۵ مترمربع جدا شده از پلاک ۴۶- اصلی واقع در گنبدکاووس اراضی روستای ایگدرسفلی بخش ۰۹ حوزه ثبت ملک گنبد انتقال ملک بلاواسطه از تواقلی آقازاده لذا به منظور اطلاع عموم این آگهی در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضائی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهدشد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۱۲/۸
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲/۱۲/۲۲ م الف ۱۲۴۸۸

هادی عطائی مقدم
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک گنبدکاووس

آگهی ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۰۴۰۱۶۹۷۲ مورخ ۱۴۰۲/۱۱/۲۴ موضوع کلاسه ۱۴۰۰۱۱۴۴۱۲۰۰۴۰۰۰۴۲۶ هیات اول/دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک گنبدکاووس تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای طاهر آقازاده فرزند تواقلیدر ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۴۱۳۷۱ مترمربع جدا شده از پلاک شماره ۴۳-اصلی واقع در گنبدکاووس- اراضی روستای ایگدرسفلی بخش ۰۹ حوزه ثبت ملک گنبد انتقال ملک بلاواسطه از تواقلی آقازاده لذا به منظور اطلاع عموم این آگهی در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضائی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهدشد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۱۲/۸
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲/۱۲/۲۲ م الف ۱۲۴۸۶

هادی عطائی مقدم
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک گنبدکاووس

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۰۴۰۱۷۴۷۲ مورخ ۱۴۰۲/۱۲/۱ موضوع کلاسه ۱۴۰۲۱۱۴۴۱۲۰۰۴۰۰۰۰۵۱ هیات اول/دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک گنبدکاووس تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای کریم هیوه چی فرزند حالت بردی به ش.ش ۵ ش.م ۲۰۳۱۸۱۷۴۳۴ در ششدانگ عرصه یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۵۱۸۷۱/۱۵ مترمربع جدا شده از پلاک شماره ۱۳-اصلی واقع در گنبدکاووس- روستای هیوه چی بخش ۱۱ حوزه ثبت ملک گنبد انتقال ملک مع الواسطه از حالت بردی هیوه چی مالک رسمی به متقاضی داشته و تصرفات متقاضی نسبت به مورد تقاضا احراز گردیده لذا به منظور اطلاع عموم این آگهی در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضائی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهدشد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۱۲/۸
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲/۱۲/۲۲
م الف ۱۲۴۵۲

هادی عطائی مقدم
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک گنبدکاووس

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۲۶۰۳۲۷۰۰۲۰۱۲۱۹۵ مورخه ۱۴۰۲/۱۱/۱۴ به شماره کلاسه ۱۴۰۲۱۱۴۴۲۷۰۰۲۰۰۱۳۲۶ هیات اول/دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای سیدسعید نقوی فرزند رشید به ش.ش ۷۶ صادره از ابهر در یک قطعه باغ به مساحت ۹۳۸/۹۸ مترمربع پلاک ۱۸ اصلی واقع در ابهر قوهچین بخش سه زنجان خریداری از مالک رسمی آقای رمضان علی عابدینی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۱۲/۸
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲/۱۲/۲۳

سعید بهرامی
رئیس ثبت اسناد و املاک

آگهی ماده ۳ تعیین تکلیف ثبت شهرستان پلدختر

۱-رای به صدور سند ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۴۴۰۵ مترمربع قسمتی از پلاک ۸۲ فرعی از ۱۱ اصلی بخش ۸ پلدختر به نام اله یار حسنوند فرزند فتحعلی از مالکیت مالک رسمی آقای فتحعلی جودکی مع الواسطه

معترضین می‌توانند ظرف ۲ ماه از تاریخ انتشار نوبت اول اعتراض خود را به ثبت محل ارائه نمایند.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۱۲/۸
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲/۱۲/۲۳
م الف ۴۰۷

امین عبدی نژاد
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان پلدختر

آگهی فقدان سند مالکیت

آقای اصغر کاتبی کله گرد باستناد دو برگ استشهادیه محلی که به امضاء شهود و به گواهی دفتر اسناد رسمی شماره ۳۰ چابهار رسیده مدعی است که سند مالکیت ششدانگ پلاک ۳۹۱۹ فرعی از ۱۰۶۲-اصلی واقع در بخش ۱۶ بلوچستان شهرستان چابهار به علت جابجایی از بین رفته درخواست صدور سند مالکیت المثنی نموده لذا مراتب باستناد تبصره یک ماده ۱۲۰ آیین نامه ثبت در یک نوبت آگهی می شود تا چنانچه کسی مدعی وجود سند مالکیت نزد خود یا انجام معامله نسبت به ملک مرقوم می باشد از تاریخ نشر این آگهی ظرف ده روز اعتراض خود را به ضمیمه اصل سند مالکیت یا سند معامله به این اداره اعلام و رسید دریافت نماید تا مورد رسیدگی قرار گیرد والا پس از انقضای مدت مذکور و نرسیدن واخواهی و یا در صورت اعتراض اصل سند ارائه نشود نسبت به صدور سند مالکیت المثنی طبق مقررات اقدام خواهد شد.

رئیس ثبت اسناد و املاک شهرستان چابهار- سیدابوالقاسم ترابی